

حروف اضافه بی‌آوا در فارسی نوین: رویکردی کمی‌نگار

آواایمانی^۱

چکیده

در این پژوهش حذف حروف اضافه در گروه‌های حرف اضافه در زبان فارسی بررسی می‌شود و هدف از انجام آن، توصیف نحوی فرآیند حذف حروف اضافه در چارچوب برنامه کمی‌نگار (ردفورد، ۲۰۰۹) است. جایگاه‌های حذف، عامل حذف و علت دستوری یا غیردستوری بودن حذف در برخی گروه‌های حرف اضافه‌ای نسبت به دیگر گروه‌ها، موضوعات عمده بررسی شده در این تحقیق هستند. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و داده‌بنیاد است (داده‌ها از منابع گفتاری و نوشتاری فارسی محاوره‌ای معاصر گردآوری شده‌اند). نتایج تحقیق حاکی از آن است که حضور حروف اضافه در زبان فارسی بسته به نوع فعل و ظرفیت آن (لازم/متعدی بودن)، نحوه هم‌نشین شدن فعل و موضوع‌ها، نقش دستوری گروه حرف اضافه، و برخی مشخصه‌های معنایی حروف اضافه در برخی جایگاه‌ها اختیاری است و حذف آنها منجر به غیردستوری شدن جملات نمی‌شود و در سایر جایگاه‌ها، حذف آنها غیرممکن و منجر به نادرستی شدن جملات می‌گردد. از جمله مواردی که معمولاً حرف اضافه حذف می‌شود عبارتند از الف) عملکرد فرآیند انضمام، ب) تشکیل مفعول نشانه اضافه‌ای، پ) حذف به قرینه لفظی، ت) ساخت افعال گروهی، ث) ساخت حروف اضافه مرکب، و ج) در برخی گروه‌های حرف اضافه‌ای.

واژگان کلیدی: حذف، حروف اضافه، گروه حرف اضافه‌ای، رویکرد کمی‌نگار

۱- مقدمه

حرف اضافه از مقولات بحث‌انگیز در بررسی‌های زبانی است. تعاریفی که از دیدگاه‌های مختلف درباره حرف اضافه ارائه شده‌اند بسیار متفاوت‌اند و گاه با یکدیگر در تضاد و تقابل قرار می‌گیرند. گروه حرف اضافه‌ای نیز در میان مقولات گروهی از همه مسئله‌سازتر بوده است. در حدی که در برخی از دیدگاه‌ها مانند دستور حالت فیلمور اساساً در وجود چنین مقوله‌ای تردید داشته‌اند (سجودی، ۱۳۷۷). در خصوص حروف اضافه، دیدگاه ساخت‌گرایان در تقابل با دیدگاه دستوریان سنتی قرار می‌گیرد. در این دیدگاه سه

^۱ - دکترای زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان avaimani2015@gmail.com

ویژگی بنیادی برای حرف اضافه قائل شده‌اند. نخست آن که حروف اضافه کلمات کارکردی یا ساختی هستند، دوم آن که معنای واژگانی اندکی دارند، و سوم آن که تعداد آنها محدود است و در طول زمان به سختی دستخوش تغییر می‌شوند. (راو، Rauh، ۱۹۹۱: ۱۷۶)

سجودی (۱۳۷۷: ۴۳) می‌نویسد قائل شدن به این که حروف اضافه کلماتی کارکردی یا ساختی هستند به این معنا است که این حروف در آغاز گروه‌های حرف اضافه‌ای ظاهر می‌شوند تا به مثابه نشانه‌ای ساختی نوع ساختاری را نشان دهند که در ابتدای آن قرار گرفته‌اند. این مطلب همیشه صادق نیست. در مثال‌های (۱) و (۲) حروف اضافه «بر» و «در» نشانه‌ای ساختی و نشانه مفعول حرف اضافه‌ای است.

(۱) مریم در این مورد شک دارد.

(۲) مریم بر این مطلب تاکید کرد.

با این حال، حرف اضافه به کار رفته در مثال شماره (۱) هرگاه در معنای مکانی به کار رود دیگر نمی‌توان آن را نشانه ساختاری تلقی کرد. در مثال (۳) حرف اضافه «در» در معنای مکانی به کار رفته است.

(۳) مدرسه آنها در یک محله شلوغ است.

در این پژوهش تلاش می‌شود به حذف حروف اضافه در زبان فارسی پرداخته شود. استدلال‌های این پژوهش بر اساس شیوه استدلال نحوی و محدود به چارچوب کمینه‌گرایی است؛ هرچند در مواردی به دلایل کاربردی به بحث‌های کلامی نیز اشاره می‌شود. در چارچوب کمینه‌گرایی پژوهشی با موضوع حذف حروف اضافه در زبان فارسی در دسترس نیست و از این منظر می‌توان تحقیق حاضر را تحقیقی نوین دانست. داده‌های این تحقیق به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است و هرگاه نگارنده مثالی بر اساس شم زبانی خود ارائه کرده است، آن مثال در معرض قضاوت شم زبانی سخن‌گویان فارسی‌زبان قرار گرفته است. مسئله اصلی این پژوهش این است که در زبان فارسی گفتاری بسیاری از گروه‌های حرف اضافه‌ای، دیگر با حرف اضافی خود پدیدار نمی‌گردند، از دیدگاه اول می‌توان آنها را صرفاً مورد حذف از نوع گفتمان در نظر گرفت اما با نگاهی دقیق‌تر مشاهده می‌گردد که همه حرف‌های اضافه در همه گروه‌های اضافی نمی‌توانند تحت تاثیر این فرآیند قرار گیرند، از طرف دیگر با در نظر گرفتن رویکرد دستور زایشی به ویژه در چارچوب کمینه‌گرایی، امکان وجود گروهی بدون اینکه هسته آن گروه بروز واجی داشته باشد مطرح است. مثال بارز آن گروه حرف تعریف است. به همین منظور پژوهش حاضر به بررسی این نوع گروه‌های حرف اضافه و حذف آنها در زبان فارسی و ارائه تحلیلی جدید در چارچوب کمینه‌گرایی می‌پردازد. بدین منظور تمامی ساخت‌های گروه اسمی بدون حرف اضافه و همچنین ساخت‌های گروه‌های حرف اضافه با حرف اضافه تهی^۱ که در زبان روزمره در گفتار سخنگویان فارسی‌زبان گردآوری شده‌اند در این پژوهش بررسی می‌شود.

^۱ - Null

آنچه در این تحقیق مطرح است این است که کدام حروف اضافه شامل چنین حذفی می‌گردند؟ و کدام گروه‌های حرف‌اضافه‌ای اجازه چنین حذفی را می‌دهند؟ و در نهایت این حذف را چگونه می‌توان در چارچوب کمینه‌گرایی تبیین نمود؟ مهمترین جایگاه‌های حذف حروف اضافه کدامند؟

۲- پیشینه پژوهش

در این بخش ابتدا شرح مختصری در باب مطالعات حروف اضافه از دیدگاه دستور سنتی و سپس برخی پژوهش‌های معاصر انجام شده در باب این عناصر و دسته‌بندی آنها در زبان فارسی ارائه می‌شود. پس از آن مقوله حذف در گروه‌های حرف‌اضافه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از دیدگاه دستورنویسان سنتی، حروف اضافه آنهایی‌اند که نسبت میان دو کلمه (نسبت اسم به فعل یا شبه فعل) را معلوم کنند (ذوالنور، ۱۳۴۳: ۱۲۳). صادقی و ارژنگ (۱۳۵۸: ۸۳) معتقدند که حرف اضافه کلمه‌ای است که نقش اسم یا ضمیر یا گروه اسمی را که همراه آن آمده است، نشان می‌دهد. به عنوان مثال در موارد زیر، حرف اضافه نقش کلمه یا گروه کلماتی را که متمم فعل هستند، را نشان می‌دهد:

نقش قیدی: به تبریز رفتم. در زیباترین پارک‌های آن شهر گردش کردم.

نقش مفعول رایبی: علی را دیدم.

نقش مفعول به‌ای: همه به علی نگاه کردند.

خانلری (۱۳۶۶: ۱۵۸) در تعریف حرف اضافه چنین بیان کرده است که «حروف اضافه، کلماتی هستند که معنی مستقلی ندارند اما کلمه یا عباراتی را به یکی از اجزای جمله می‌پیوندند و عبارت از کلمه‌ای را که اسم یا ضمیر است متمم اسم یا صفت یا فعل، قرار می‌دهند». قریب و همکاران (۱۳۷۰: ۶۲) نیز معتقدند که «مقصود از حرف اضافه، کلمه‌ای است که نسبت میان دو کلمه را بیان می‌کند و مابعد خود را متمم کلمه دیگر قرار می‌دهد، چنانکه معنی کلمه نخستین، بدون ذکر دوم، ناتمام باشد. برای مثال «به تو می‌گویم». باطنی (۱۳۶۴: ۱۷۵) معتقد است که حروف اضافه زبان فارسی به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول حروفی‌اند که به دنبال خود کسره اضافه نمی‌پذیرند، مانند «با»، «از»، «در»، «به»، «بر» و غیره. دسته دوم حروفی‌اند که آخر آنها کسره اضافه به کار می‌رود، مانند «برابر»، «برای»، «کنار»، «زد»، «روی» و غیره. اما البرزی ورکی (۱۳۷۷: ۷۱-۷۲) معتقد است که گروه اخیر ظاهراً در زمره مقوله اسم به شمار می‌رود. شریعت (۱۳۶۴) نیز عیناً دیدگاه‌های باطنی و خطیب رهبر (۱۳۶۷) را بازگو کرده است.

اما حروف اضافه در فارسی معاصر دو کارکرد عمده دارند. الف) کارکرد واژگانی که به گروه اسمی پس از خود معنا می‌بخشد. ب) حالت‌نما که بیانگر یکی از حالت‌های مفعول با واسطه، مسند، متمم اسم، متمم صفت، متمم قید و متمم صوت است (سمیعان، ۱۹۸۳: ۴۵). مطابق با طبقه‌بندی سمیعان (سمیعان، همان) حروف اضافه در زبان فارسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف. حروف اضافه بدون کاربرد جزء اضافه

ب. حروف اضافه با جزء اضافه اجباری

پ. حروف اضافه با جزء اضافه اختیاری

برخی زبان‌شناسان اولین گروه را به دو دسته حروف اضافه جهت‌نما و مکان‌نما تقسیم کرده‌اند که عموماً شامل حروف اضافه ساده می‌شود مانند «در»، «با»، «تا»، «از» و... بیشتر اعضای طبقه‌های دوم و سوم منشأ آنها قیود و اسامی هستند. به اعتقاد اسونانیس^۱ (۲۰۰۶: ۶۷) حروف اضافه طبقه دوم و سوم در جایگاه اجزای محوری قرار دارند. اگر قبل از حروف اضافه با جزء اضافه اختیاری، اعضای طبقه اول ظاهر شوند، آنگاه حضور جزء اضافه اجباری است. اما اگر قبل از حروف اضافه با جزء اضافه اختیاری، اعضای طبقه اول ظاهر نشوند، آن‌گاه حضور جزء اضافه اختیاری است.

نگارنده در ارتباط با حذف حروف اضافه در گروه‌های حرف اضافه در زبان فارسی به اثری جامع دسترسی پیدا نکردند. یکی از محدود کارهای انجام گرفته درباره گروه حرف اضافه‌ای در فارسی، پژوهش زارع و نعمت‌زاده (۱۳۹۱) است که کاربرد حروف اضافه زبان فارسی در گفتار روزمره کودکان اوتیست را بررسی کردند و بر پایه یافته‌های درایر^۲ (۱۹۹۱)، و اسونانیس (۲۰۰۶) به طبقه‌بندی و تحلیل حروف اضافه پرداختند. آنها در ابتدا رده‌شناسی نحوه آرایش سازه‌های گروه حرف اضافه‌ای و میزان همبستگی آنها را با دیگر پارامترهای مستقل جمله بررسی و سپس با تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه و گفتگوی آزاد با کودکان مبتلا به اوتیسم، ساختمان گروه حرف اضافه‌ای تولیدی در گفتار آنها را ارزیابی کردند. زارع و نعمت‌زاده (۱۳۹۱) درخصوص کاربرد گروه حرف اضافه‌ای در گفتار کودکان مبتلا به اوتیسم مواردی از نقض قواعد و اصول حاکم بر زبان فارسی معیار را مشاهده کردند؛ از جمله حذف گسترده حروف اضافه بسیط در گفتار این کودکان که باعث می‌شود گفتارشان غیرعادی و عجیب به نظر برسد. مانند حذف حرف اضافه «از» و کاربرد حرف اضافه «تا» در جایگاه‌های نامناسب به دلیل ندانستن معنای دقیق این حرف اضافه. البته اگر بعد از حروف اضافه متعلق به طبقه اول، یک اسم یا نام مکانی خاص قرار گیرد، این حروف اضافه می‌توانند حذف شوند (به استثنای حرف اضافه «از») اما حرف اضافه «از» به کرات در عبارات تولیدی این کودکان محذوف بود و سبب بدساختی زنجیره‌های تولیدی آنها می‌گردید.

آنها همچنین بیان می‌کنند که براساس مطالعات رده‌شناسی، حروف اضافه، فعل-الگو هستند، یعنی جایگاهی مشابه با افعال دارند، اما در زبان فارسی این همبستگی میان جایگاه حروف اضافه و افعال نقض می‌شود و حروف اضافه در فارسی، مفعول-الگو هستند، یعنی «پیش‌اضافه‌ای» هستند و تنها یک مورد «پس‌اضافه» در این زبان وجود دارد. جایگاه هسته مانند دیگر مقوله‌های شاخه‌ای در آغاز گروه قرار دارد (هسته اول). یعنی ابتدا حرف اضافه ظاهر می‌شود و سپس گروه اسمی به دنبال آن ظاهر می‌شود؛ اما بررسی گفتار کودکان مبتلا به اوتیسم نشان داد که در بسیاری از موارد جایگاه هسته (حرف اضافه) تغییر می‌کند و گاهی حرف اضافه خود به تنهایی به جایگاه‌های دیگری حرکت می‌کند و گروه حرف اضافه‌ای گسسته را به وجود می‌آورد که این نوع حرکت در فارسی معیار مجاز نیست. آنها در

^۱ - Svenonius, P.

^۲ - Dryer, M. S.

پایان چنین می‌گویند که به طور کلی می‌توان گفت بسیاری از سازه‌ها در گفتار کودکان مبتلا به اوتیسم محذوف و همین امر سبب ابهام گفتار تولیدی آنها می‌شود.

سجودی (۱۳۷۷) حرف اضافه و گروه حرف اضافه‌ای در زبان فارسی را بررسی و دیدگاه‌های نظری درباره این عناصر و طبقه‌بندی آنها بر اساس سه ملاک نحوی، معنایی و ساختواژی و نیز معانی و کارکردهای تعدادی از حروف اضافه ساده در زبان فارسی را تحلیل کرد. زبان مورد بررسی در این پژوهش فارسی نوشتاری معاصر است. پیکره مورد بررسی در این پژوهش از میان رمان‌های *دل کور* و *ثریا در اعما* نوشته اسماعیل فصیح، شماره ۱۱۰ مجله *آدینه* و در مواردی بر اساس شم زبانی نگارنده، انتخاب شده است و در مورد هر حرف اضافه توصیف‌های دستورنویسان و زبان‌شناسان ایرانی را طرح و مختصراً نقد می‌کند و سپس توصیف خود را از معانی و کارکردهای آن حرف اضافه به دست می‌دهد. وی همچنین به گروه‌های حرف اضافه‌ای پرداخت و آنها را بر اساس کارکردشان در جمله به سه دسته اصلی طبقه‌بندی کرد. ۱- متمم‌ها ۲- افزوده‌ها ۳- قید فعل‌ها. وی در این پژوهش به نظریه خاصی متعهد نبود، با این حال، بیشترین استفاده را از مفاهیم مطرح در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی برده است و از مفاهیم مطرح در دستور کارکردگرا و دستور رابطه‌ای نیز استفاده کرده است.

خزائی (۱۳۸۳) حروف اضافه ساده و گروه حرف اضافه‌ای در فارسی معاصر را بررسی کرد. وی در این پژوهش حرف اضافه ساده و گروه حرف اضافه‌ای که آنها را از بین کتاب‌های *عافیتگاه*، *شاه‌کلید*، یک شماره روزنامه اطلاعات مورخه ۱۳۸۲/۵/۱۵ و یک شماره روزنامه جام‌جم مورخه ۱۳۸۲/۵/۲۰ استخراج نمود، توصیف و بر اساس دستور نقش‌گرای هلیدی (۱۹۹۴) تحلیل کرد. او نتیجه گرفت که ۱- حرف اضافه از ابتدای متمم‌های قیدی، اصطلاحات پرسامد و جافتاده و همپایگی متمم‌ها قابل حذف است. ۲- گروه‌های حرف اضافه‌ای که در جمله نقش قیدی دارند قابل حذف هستند و حذف آنها به خوش‌ساختی جمله آسیب نمی‌زند. ۳- حروف اضافه در فارسی معاصر دو کارکرد عمده دارند. الف) کارکرد واژگانی که به گروه اسمی پس از خود معنایی می‌بخشند. ب) حالت‌نما که بیانگر یکی از حالت‌های مفعول با واسطه، مسند، متمم اسم، متمم صفت، متمم قید و متمم صوت است. ۴- از تنوع معانی و کارکردهای حروف اضافه در فارسی معاصر نسبت به دوره‌های گذشته زبان فارسی کاسته شده است. ۵- همچنین زبان فارسی در زمینه حروف اضافه بر اساس ساختواژه‌گرایی به سوی تحلیلی شدن دارد.

رضایی (۱۳۸۵) ساختار گروه حرف اضافه‌ای در زبان فارسی گفتاری معیار در مقایسه با فارسی نوشتاری معیار را بررسی کرد و رمان *توراکیئا*، مکالمات تلفنی گویشوران فارسی زبان، کتاب *فارسی پنجم دبستان* و کتاب *ریاضی پنجم دبستان* را به عنوان پیکره تحقیق خود انتخاب کرد و چنین نتیجه گرفت که حرف اضافه که هسته گروه حرف اضافه‌ای است، در موارد مختلفی هم در فارسی گفتاری و هم در فارسی نوشتاری معیار می‌تواند حذف شود.

مهدی‌بیرقدار و درزی (۱۳۹۰) به تبیین حذف حروف اضافه فضایی قبل از عناصر مکان‌نما در گونه محاوره‌ای فارسی معاصر تهران پرداختند و شباهت‌ها و تفاوت‌های عناصر مکان‌نما با حروف از یک سو و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها با مقوله اسمی را بررسی و پیشنهاد کردند که عناصر مکان‌نما، مقوله‌ای در

حال گذار از مقوله اسمی با مشخصه مقوله‌ای $[-V, +N]$ به مقوله حرف اضافه با مشخصه مقوله‌ای $[-N, -V]$ هستند. آنها در این پژوهش با استفاده از آرای تیلر^۱ و ایوانس^۲ (۲۰۰۷) نشان دادند که حذف حروف اضافه قبل از عناصر مکان‌نما به دو عامل وجود اشتراک معنایی بین حروف اضافه فضایی و عناصر مکان‌نما و همچنین طبقه معنایی فعل وابسته است.

ینگ^۳ (۲۰۱۱) قابل حذف بودن حروف اضافه در حذف مفعول حرف اضافه در گروه‌های حرف اضافه‌ای انگلیسی را بررسی کرد. وی معتقد است وقتی یک مفعول حرف اضافه‌ای که به لحاظ بافتی قابل درک و قابل بازیافت است، قابل حذف بودن حرف اضافه پیش از آن کاملاً وابسته به معنای آن و وضعیت دوگانه آن به عنوان یک مقوله هم‌پوشاننده برای قید و حرف اضافه است. برخی حروف اضافه که اشاره به مکان یا جهت دارند می‌توانند هم به صورت حرف اضافه و هم قید استفاده شوند، بسته به حضور یا عدم حضور مفعولشان است. این نوع حروف اضافه وقتی که مفعولشان حذف می‌شود، نباید حذف شوند.

کیم^۴ و آهن^۵ (۲۰۰۳) این مطلب بررسی کردند که برخی حروف اضافه در جملات انگلیسی نباید حذف شوند، برخی انتخابی هستند و برخی دیگر باید اجباراً حذف شوند. پژوهش آنان به دنبال این مسئله بود که مشخص کند آیا این استفاده‌ها، سطوح متفاوتی از دشواری را برای دانش آموزان ESL فراهم می‌کند و اینکه این حروف اضافه چگونه فراگرفته می‌شوند؛ و در پایان، آزمون (۱۳۹۱) در حوزه آموزش زبان و یادگیری زبان و در قالب یک بررسی مقابله‌ای به تحلیل نحوه آموزش حروف اضافه فارسی به فرانسوی زبانان می‌پردازد.

۳- چارچوب نظری

برنامه کمینه‌گرا، تازه‌ترین انگاره بدنه اصلی دستور زایشی است که با دگرگونی‌هایی که از پایان سال ۱۹۹۲ با ارائه مقاله‌ای از چامسکی با نام «برنامه‌ای کمینه‌گرا برای نظریه زبانی» رخ داد، توجه زبان‌شناسان را به خود معطوف کرد و نوید تحولی تازه در دستور زایشی تلقی گردید. روح حاکم بر برنامه کمینه‌گرا بهره‌گیری از کمترین ابزارهای نظری در تدوین چارچوبی برای مطالعه زبان انسان است. قائل بودن به حوزه واژگان غنی، حذف ژ- ساخت و ر- ساخت، سپردن وظیفه تشکیل نمودارهای درختی به فرآیندی به نام «ادغام» به جای قاعده‌های ایکس تیره، باور داشتن به دو نوع حرکت کلان شامل «حرکت کل سازه» و «حرکت مشخصه‌های سازه»، جذب، تراوش، افزوده شدن گروه فعلی پوسته‌ای، گروه مبتدا، گروه کانون، گروه اسناد و گروه گذرائی، طرح اصولی همچون اصل طمع، اصل تعلق، شرط کمینگی / اصل کوتاهترین حرکت، اصل خوانش کامل و گسترش حوزه صورت منطقی از جمله ویژگی‌ها

¹- Tyler, A.

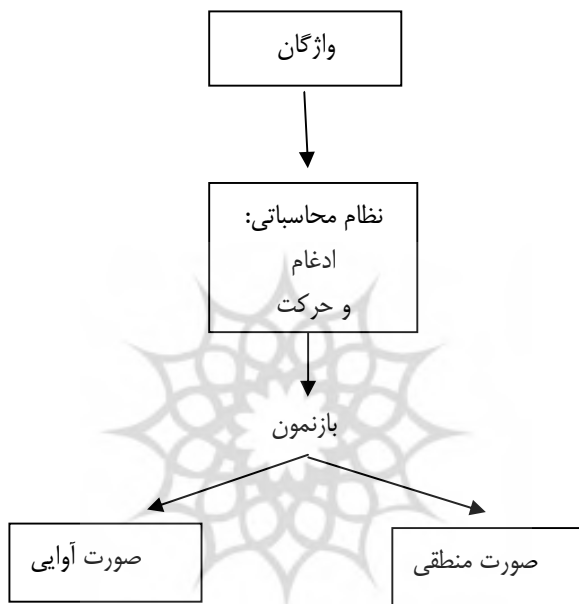
²- Ivans, V.

³- Jeong, I.S.

⁴- Kim, J.M.

⁵- Ahn, G.S.

و دستاوردهای برنامه کمینه‌گرا است (دبیرمقدم، ۶۳۲). کتاب‌ها و مجموعه مقاله‌های عمده‌ای که به معرفی و شرح برنامه کمینه‌گرا و تحلیل در آن چارچوب اختصاص یافته‌اند عبارت‌اند از چامسکی (۱۹۹۵)، ۲۰۰۰a، ۲۰۰۰b، ویلهوت^۱ (۱۹۹۵)، هورنشتاین^۲ (۱۹۹۵)، ردفورد^۳ (۱۹۹۷a، ۱۹۹۷b)، لزنیک^۴ (۱۹۹۵)، ۲۰۰۳، مجموعه مقاله‌های ویراسته مارتین^۵ و همکاران (۲۰۰۰)، اورا^۶ (۲۰۰۰)، اُگاوا^۷ (۲۰۰۱)، تعدادی از مقاله‌های مجموعه‌ای ویراسته بالتین^۸ و کولینز^۹ (۲۰۰۱) و مجموعه مقاله‌های ویراسته اپستاین^{۱۰} و سیلی^{۱۱} (۲۰۰۲). سیمای کلی انگاره برنامه کمینه‌گرا به شرح زیر است:



نمود صورت منطقی / نمود صورت آوایی

نمودار (۱) انگاره کلی کمینه‌گرایی

¹- Webelhuth, G.

²- Horenstein, N.

³- Radford, A.

⁴- Lasnik, H.

⁵- Martin, R.D.

⁶- Ura, H.

⁷- Ogawa, Y.

⁸- Baltin, M.

⁹- Collins, C.

¹⁰- Epstein, S.

¹¹- Seely, T.

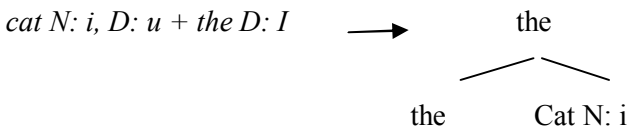
یکی از مهمترین تفاوت‌های رویکرد کمینه‌گرایی با سایر رویکردهای زایشی مانند حاکمیت و مرجع‌گزینی و غیره، حذف ژ- ساخت و ر- ساخت است. در کمینه‌گرایی ساخت جملات و تشکیل گروه‌ها و سازه‌های بزرگتر، بر اساس دو عمل اصلی یعنی حرکت و ادغام صورت می‌پذیرد. مقوله‌های بی‌آوا نیز از این دو عمل اصلی مشتقی نیستند و هسته بی‌آوا یک گروه می‌تواند با سایر گروه‌ها ادغام شود و سازه‌های بزرگتر را تشکیل دهد و همان‌گونه که شرح داده شد حرف اضافه به عنوان هسته گروه حرف اضافه‌ای در برخی موارد به صورت بی‌آوا ظاهر می‌شود و می‌تواند با سازه‌های دیگر ادغام شود. در این بخش ابتدا توضیحاتی در خصوص عملکرد ادغام در کمینه‌گرایی ارائه می‌شود و سپس در قالب چند نمودار، چگونگی ادغام مقوله‌های بی‌آوا از جمله حرف اضافه بی‌آوا با سایر سازه‌ها شرح داده می‌شود. ادغام عبارتست از «یک عملکرد به هم پیوسته دوتایی که یا یک واحد واژگانی تنها و یا بخش‌هایی از واحدهای واژگانی که قبلاً با هم ترکیب شده‌اند را ترکیب می‌کند. برونداد آن واحدی است شامل واحدهای واژگانی که به روش سلسله مراتبی ساخته شده‌اند. یکی از دو واحد ادغام شده - دومی به عنوان اسم واحد استفاده می‌شود. بنابراین ادغام آلفا و بتا طبق نمودار یا منجر به (الف) و یا (ب) می‌شود».



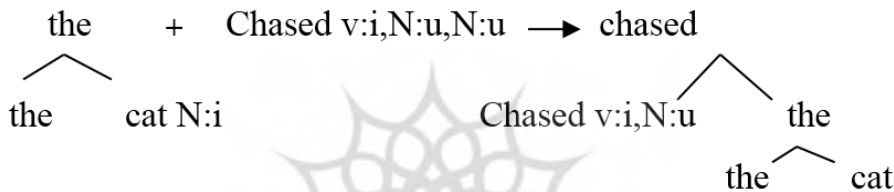
واحدی که به عنوان اسم آن سازه انتخاب می‌شود در واقع همان هسته است (هورنشتاین و همکاران ۲۰۰۵). اینکه چه واحدهایی با هم ترکیب و ادغام شود باز و انتخابی نیست بلکه بستگی به خصوصیات واحدها دارد. خصوصیتی که به ادغام اجازه ظهور می‌دهند برابر با محدودیت‌های انتخابی است. یک نمونه اشتقاق در یک عبارت ساده the dog chased the cat نشان‌دهنده این است که چطور این عملکردها اجرا می‌شوند. در اینجا با آرایه واژگانی شروع می‌کنیم (محاسبه در این مورد، به عنوان یک واحد the، دوبار انتخاب شده است (چامسکی، ۲۰۰۲). مجموعه فرعی واژگان شامل واحدهای dog, chased, the and cat است. اولین قدم این است که یک واژه را از نظام محاسباتی انتخاب کنیم. اجازه دهید با chased شروع کنیم. به عنوان مثال فعل chased با مشخصه فعلی در بین مشخصه‌های دیگر نشان داده شده است. این یک خصوصیت قابل تفسیر است و بنابراین لازم نیست که در مرحله اشتقاق حذف شود. chased همچنین دارای دو خصوصیت اسمی غیرقابل تفسیر است و نشان‌دهنده این است که دارای دو محمول است پس باید با دو اسم ادغام شود.

Chased v: I, N: u, N: u

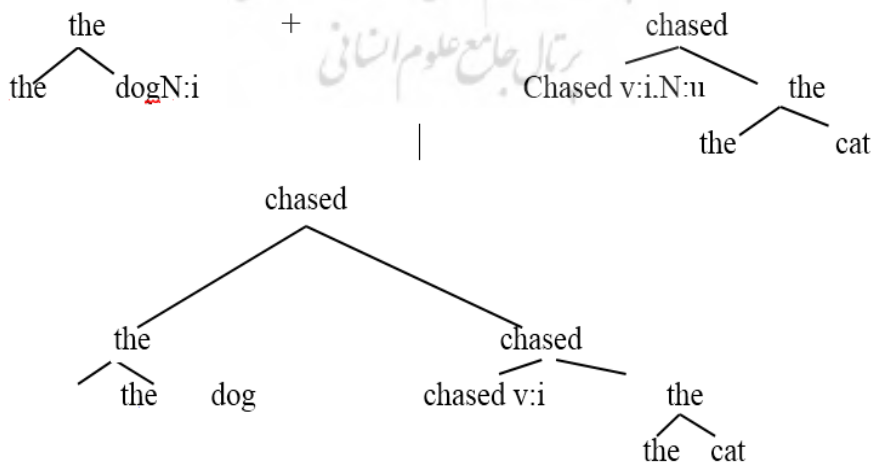
مرحله دوم این است که متمم فعل را وارد کنیم یعنی the cat. این کار در دو مرحله فرعی انجام می‌پذیرد. ابتدا لازم است دو واحد زبانی the و cat با هم ادغام شوند و سپس لازم است این واحد ساخته شده را با فعل ترکیب کنیم. واحد واژگانی cat با مشخصه اسمی گروه قابل تفسیر و یک مشخصه غیرقابل تفسیر نشان داده می‌شود. مشخصه D نیز با مشخصگر the نشان داده می‌شود.



اسم cat هنوز هم ویژگی اسمی غیرقابل تفسیر خود را دارد و این می‌تواند برخلاف یکی از دو مشخصه اسمی غیرقابل تفسیر در فعل chased بررسی شود. بنابر این، فعل و کل واحدی که قبلاً تشکیل شده است را با هم ادغام می‌کنیم.

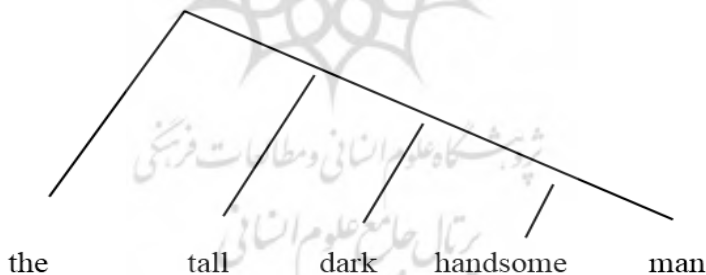


سومین و آخرین مرحله این است که ما باید این مرحله را به دو قسمت تقسیم کنیم: اول اینکه اسم باقی‌مانده و مشخصگر را با هم ادغام کنیم و دوم اینکه واحد جدید را با فعل ادغام کنیم. واحد واژگانی dog، مانند اسم‌های دیگر توسط یک مشخصه مقوله اسمی قابل تفسیر و یک مشخصه [D] غیرقابل مشخص می‌شود. مشخصه D توسط ادغام dog با the برای شکل دادن گروه حرف تعریف the dog بررسی می‌شود.



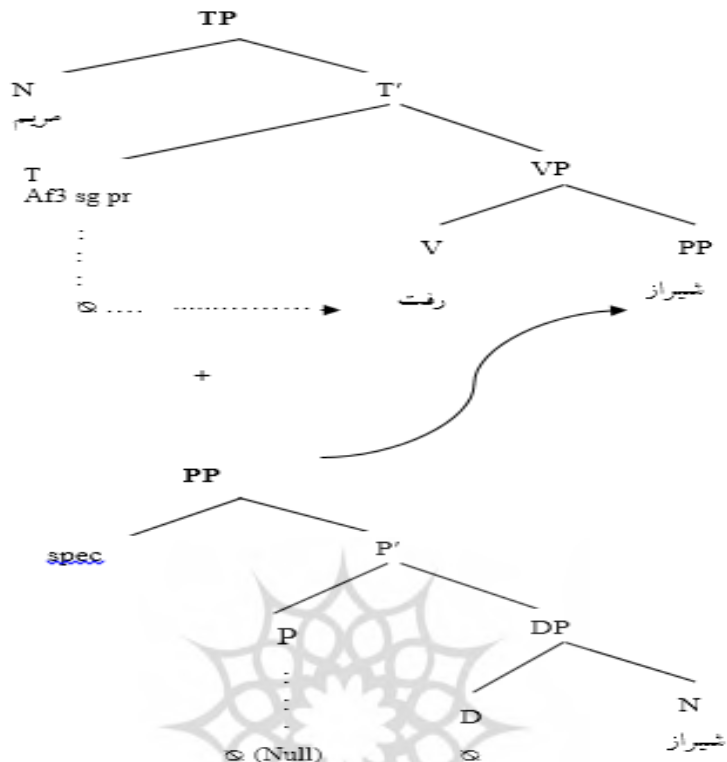
ادغام the dog با واحد قبلی chased the cat به ما اجازه می‌دهد که مشخصه باقی‌مانده غیرقابل تفسیر اسم را در خصوص فعل بررسی کنیم. در این مرحله همه مشخصه‌های ظاهری غیرقابل تفسیر بررسی و حذف و در نهایت اشتقاق کامل می‌شود. با فرض اینکه عملکرد ادغام کافی باشد، کمینه‌گراها ادعا کردند که تعدادی از مشخصه‌ها و روابطی که نظریه‌های قبلی داده‌اند باید به طور جداگانه قید شوند. به عنوان مثال این بحث همچنین مطرح است که تکرار از عملکرد ادغام بیرون می‌آید و کاربرد زیاد ادغام باعث می‌شود که برونداد یک چرخه، حکم درونداد چرخه بعدی را داشته باشد. بنابراین ادغام عملکردی است که باعث ایجاد تکرار می‌شود. همچنین ادغام باعث ایجاد تعدادی روابط می‌شود که به عنوان الگوهای پیکربندی مهم در بخش محاسباتی محسوب می‌شوند. (به عنوان مثال سازه-فرمانی، ر. ک. چامسکی (۲۰۰۲)).

روشی که در آن ادغام صورت می‌گیرد بدین معنا است که رابطه هسته-مشخصگر، دیگر آن وضعیت خاص که در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی مورد قبول بود را ندارد. به عنوان مثال برای تشکیل دادن گروه اسمی the tall dark handsome man تعدادی ادغام صورت گرفته است. اول اینکه man و handsome در هم ادغام شده‌اند و این اولین ترکیب ما در عبارت است. سپس dark به نتیجه واحد قبلی اضافه می‌شود و دومین ادغام اتفاق می‌افتد. سپس tall به واحد اضافه می‌شود و ادغام سوم صورت می‌گیرد و در پایان the به واحد اضافه شده و چهارمین ادغام اتفاق می‌افتد. همان‌گونه که هورنشتاین و همکاران (۲۰۰۵ : ۹۳) بیان کردند «یک هسته ممکن است چندین بار تغییر کند زیرا با خصوصیات متفاوتی روبرو می‌شود». نمودار (۳) نتیجه این عمل است.



نمودار (۳) ادغام گروه اسمی در کمینه‌گرایی

بدین ترتیب مقوله بی‌آوای حرف اضافه به عنوان هسته گروه حرف اضافه نیز می‌تواند با سازه‌های دیگر ادغام شده و سازه‌های بزرگتر را تشکیل دهد. مثال:



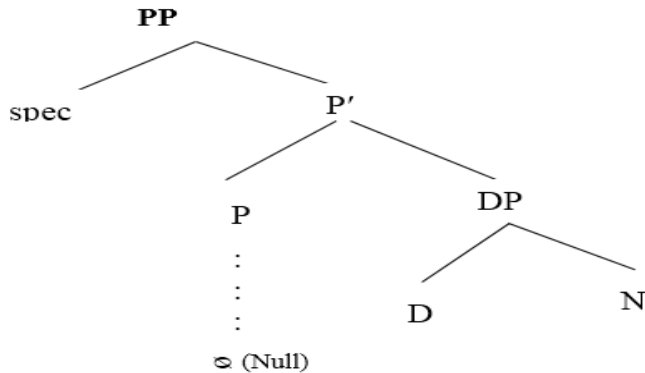
نمودار (۴) شکل‌گیری سازه‌های بزرگتر در کمینه‌گرایی

۴- روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه کتابخانه‌ای و داده‌بنیاد است. داده‌های این مقاله از منابع گفتاری و نوشتاری زبان فارسی معاصر مانند برنامه‌ها و مصاحبه‌های تلویزیونی (فیلم کوتاه «وسوسه» و فیلم مستند «جستجو»)، گفتگوهای روزمره و ادبیات داستانی اخذ شده‌اند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، انواع حروف اضافه، جایگاه‌های حذف و چگونگی آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها

حرف اضافه که هسته گروه حرف اضافه‌ای است، در موارد مختلفی هم در فارسی گفتاری و هم در فارسی نوشتاری معیار می‌تواند حذف شود که از آن جمله‌اند الف) عملکرد فرآیند انضمام، ب) تشکیل مفعول نشانه اضافه‌ای، پ) حذف به قرینه لفظی، ت) ساخت افعال گروهی، ث) ساخت حروف اضافه مرکب، ج) گروه‌های حرف اضافه‌ای. به عبارتی گروه حرف اضافه‌ای را می‌توان به صورت یک گروه در نظر گرفت که هسته آن تهی است. در نمودار (۵) نمای کلی آن ترسیم شده است.



نمودار (۵) گروه حرف اضافه‌ای با هسته تهی (بی‌آوا)

در این بخش مثال‌هایی از زبان فارسی در گفتار روزمره ذکر می‌شود که در آنها حرف اضافه بدون اینکه خدشه‌ای در ارتباط ایجاد کند امکان حذف می‌یابد. در زیر جایگاه‌های حذف حروف اضافه، انواع و چگونگی این جملات توصیف و تبیین می‌شوند:

الف) عملکرد فرآیند انضمام

(۴) چند بار به در زدیم اما هیچکی درُ باز نکرد. (به در زدن)

چند بار در زدیم اما هیچکی درُ باز نکرد. (در زدن)

در این جمله فعل به در زدن که با منضم‌شدن حرف اضافه «به» + در زدن تشکیل شده است، حرف اضافه آن بدون اینکه خدشه‌ای در معنا یا انتقال ارتباط ایجاد کند، قابل حذف است.

(۵) اول نیت کن بعد آش رو به هم بزن. (به هم زدن)

اول نیت کن بعد آش رو هم بزن. (هم زدن)

در این جمله، فعل به هم زدن نیز مانند مثال فوق از منضم‌شدن حرف اضافه «به» + هم‌زدن تشکیل شده است که امکان حذف حرف اضافه نیز در این جمله وجود دارد.

ب) تشکیل مفعول نشانه اضافه‌ای

(۶) زرد رو بده من (دادن + مفعول)

زرد رو بده به من (دادن + به + مفعول)

(۷) مریم همه رو دعوت کرد عروسی خاله‌ش (دعوت کردن + مفعول / متمم)

مریم همه رو دعوت کرد به عروسی خاله‌ش (دعوت کردن + به + مفعول / متمم)

از جمله جایگاه‌هایی که حرف اضافه امکان حذف می‌یابد، جایگاه مفعول حرف اضافه‌ای است که در زبان گفتار در بسیاری از مواقع از جمله جملات فوق به سهولت قابل حذف است.

پ) حذف به قرینه لفظی

(۸) من از کلم و شلغم متنفرم (از + شلغم)

(۹) بالاخره رسیدیم به خونه و شهر خودمون (به + شهر)

همان‌طور که در مثال‌های فوق مشاهده می‌شود، حرف اضافه در بسیاری از جملات روزمره به صورت قرینه با جملات و عباراتی که قبلاً در همان جمله یا جمله بعدی آمده است قابل حذف است و مطابق با ردفورد (۲۰۰۹) یکی از آزمون‌هایی که وجود عناصر بی‌آوا (در اینجا منظور حرف اضافه است) را اثبات می‌کند، آزمون همپایگی است. یعنی فقط گروه‌ها و سازهایی می‌توانند با یکدیگر همپایه شوند که از یک نوع و یکسان باشند. به عبارتی چون از کلم گروه حرف اضافه‌ای است و با شلغم همپایه شده است، پس آزمون همپایگی در اینجا ثابت می‌کند که قبل از شلغم نیز یک حرف اضافه وجود داشته که در اینجا به صورت مقوله بی‌آوا تظاهر پیدا کرده است.

ت) ساخت افعال گروهی

(۱۰) بالاخره بچه‌ش به دنیا آمد (به دنیا آمدن)

بالاخره بچه‌ش دنیا آمد (دنیا آمدن)

(۱۱) آش‌رشته خیلی خوب به عمل اومده (به عمل آمدن)

آش‌رشته خیلی خوب عمل اومده (عمل آمدن)

در مثال‌های فوق، افعال گروهی «به دنیا آمدن» و «به عمل آمدن» به کار گرفته شده است که در هر دو حرف اضافه «به»، بدون اینکه خدشه‌ای در ارتباط ایجاد کند، حذف می‌شود.

ث) ساخت حروف اضافه مرکب

(۱۲) به جز آقای رضایی، هیچکی به ما کمک نکرد (به جز)

جز آقای رضایی هیچکی به ما کمک نکرد (جز)

(۱۳) در مقابل مشکلات سر خم نکنید. (در مقابل)

مقابل مشکلات سر خم نکنید (مقابل)

همانطور که در مثال‌های فوق مشاهده می‌شود، در برخی از حروف اضافه مرکب که دارای دو جزء هستند، بخش اول قابل حذف است. سایر حروف اضافه مرکب که قابل حذف است عبارتند از به طرف، به سمت، به جای، از بابت، بر روی، در میان، در بین، در کنار، در وسط، در کنج و...

ج) گروه‌های حرف اضافه‌ای

(۱۴) گلدونُ گذاشتم در وسطِ میز. (در وسطِ میز)

گلدونُ گذاشتم وسطِ میز. (وسطِ میز)

(۱۵) در میانِ باغ شکوفه‌های زیبایی دیده می‌شد. (در میان)

میانِ باغ شکوفه‌های زیبایی دیده می‌شد. (میان)

در برخی موارد، علاوه بر حرف اضافه که هسته گروه حرف اضافه‌ای است، کل گروه حرف اضافه‌ای به همراه حرف اضافه قابل حذف است چون به لحاظ نقش دستوری، نقش افزوده دارد و وجود آن برای کل جمله ضروری نیست و به لحاظ نحوی و هم به لحاظ معنایی، نقش حاشیه‌ای دارد. به جز موارد فوق، بسته به نوع فعل (ظرفیت آن، لازم/متعدی)، حرف اضافه از گروه حرف اضافه‌ای می‌تواند حذف شود. از جمله موارد زیر:

۱- در صورتی که فعل از نوع حرکتی باشد (مانند آمدن و رفتن) و بعد از حرف اضافه اسم مکان بیاید، حرف اضافه «به»، حذف می‌شود.

(۱۶) آقای کریمی رفتش خونه

(۱۷) تا آخر خرداد باید بیایید کلاس

(۱۸) مریم کی می‌آد خوابگاه؟

۲- همراه با فعل استفاده کردن، حرف اضافه «از» حذف می‌شود. بالاخص اگر بعد از حرف اضافه «از»، اسم ابزار یا مواد و وسایل مصرفی بیاید. از جمله موارد زیر:

(۱۹) چاقو استفاده کن

(۲۰) واسه تقویت مو، شامپو گلرنگ استفاده کن

(۲۱) هیچ ترفندی استفاده نکن

۳- همراه با فعل دادن (که فعل متعدی و سه ظرفیتی است)، حرف اضافه، قبل از متمم حرف اضافه قابل حذف است.

(۲۲) دادش من ببرم خونه

(۲۳) مشقاشو داد خواهرش براش نوشت

(۲۴) پولاشو داد باباش واسش نگهداره

۴- در جایگاه متمم حرف اضافه وقتی که بعد از حرف اضافه «به»، اسم اشخاص و یا ضمائر شخصی بیایند، حرف اضافه «به»، قابل حذف است.

(۲۵) زنگ زدم دکتر رضایی احوالشو پرسیدم

(۲۶) همکلاسماو دعوت کردم تولد خواهرم

۵- در جایگاه متمم حرف اضافه بعد از حرف اضافه «در»، وقتی که فعل جمله، فعل ایستای «بودن/هستن» است و بعد از حرف اضافه، اسم مکان بیاید.

(۲۷) مدرسه‌ام

(۲۸) علی خونه نیست

علاوه بر مثال‌های مذکور در این بخش، جملاتی یافت می‌شود که در آنها حروف اضافه حذف می‌شوند اما جایگاه حذف و یا عوامل حذف آنها در هیچ یک از موارد گفته شده در این بخش نمی‌گنجد و به نظر می‌رسد که حذف حروف اضافه قبل از عناصر مکان‌نما و یا سایر عناصر بر مبنای اصل اقتصاد، با

انگیزش پیش‌گیری از حشو صورت می‌گیرد. به نقل از مهدی‌بیرقدار و درزی (۱۳۹۰: ۱۵۶) حذف حرف اضافه در این موارد، به علت وجود حشو معنایی بین حرف اضافه و فعل جمله است و نه به علت وجود حشو معنایی بین حرف اضافه و عنصر مکان‌نما. مثلاً فعل «رفتن» بنا به نظر لوین^۱ و راپاپورت^۲ (۱۹۹۵)، راپاپورت^۳ (۱۹۹۵)، یک فعل حرکتی ذاتاً مسیرنما و دارای ویژگی معنایی جهت‌مندی یا به عبارت دیگر، مسیر است. (ر.ک. لوین و راپاپورت، ۱۹۹۲، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۵) در چارچوب آرای تیلر و ایوانس (۲۰۰۷) نیز حرف اضافه «به» بیان‌گر رابطه فضایی جهت‌مندی پیکره نسبت به زمینه است. بدین ترتیب، فعل «رفتن» و حرف اضافه «به» با دربرداشتن مفهوم جهت‌مندی، دارای اشتراک معنایی است و امکان حذف حرف اضافه «به» قبل از عنصر مکان‌نمای «بیرون»، بر مبنای وجود حشو معنایی بین حرف اضافه «به» و فعل «رفتن» تبیین می‌شود.

علاوه بر رویکرد تیلر و ایوانس (۲۰۰۷)، برخی از موارد حذف حرف اضافه که در چارچوب کمینه‌گرایی به خوبی تبیین نمی‌شوند، می‌توانند با توسل به رویکرد مشخصه‌ها و ساختار معنایی جکنداف^۳ (۱۹۹۰) تبیین شوند. از جمله تعیین مشخصه‌های معنایی برای افعال مختلف و رابطه آنها با حرف اضافه.

افعال بیانگر حالت بدن	←	ایستادن	افعال ذاتا مسیرنما	←	رفتن
افعال حرکتی حالت‌نما	←	رقصیدن	افعال حالتی	←	خوابیدن

طبق آرای جکنداف (۱۹۹۰)، فعل بودن در جملاتی از این دست، دارای تابع مفهومی است و طبق نظر وی، بر مکان یک شیء دلالت می‌کند.
(۲۹) گاری (در) جلوی ماشین است.

بدین ترتیب، وجود مفهوم مشترک مکان در فعل «بودن» و حرف اضافه «در» و به تبع آن حشو معنایی بین این دو عنصر، امکان حذف حرف اضافه «در» را قبل از عنصر مکان‌نمای «بیرون» در مثال (۲۹) فراهم می‌کند.

بدین ترتیب با توجه به طبقه‌بندی معنایی تیلر و ایوانس از حروف اضافه فضایی و عناصر مکان‌نما، و همچنین طبقه معنایی فعل بر مبنای آرای جکنداف (۱۹۸۳، ۱۹۸۷، ۱۹۹۰)، امکان حذف این حروف اضافه قبل از عناصر مکان‌نما وابسته به دو عامل است:

۱- وجود اشتراک معنایی بین حروف اضافه و عناصر مکان‌نما

۲- طبقه معنایی فعل

برخی از جملات و نمونه‌هایی که با اکتفا بر چارچوب کمینه‌گرایی صرف و بدون توسل به سایر رویکردها و نظریه‌ها نمی‌توان به خوبی حذف حروف اضافه مختلف را در آنها توجیه و تبیین کرد عبارتند از:

¹ - Levin, B.

² - Rappoport, M.

³ - Jackendoff, R.

- (۳۰) دانشجوی کارشناسی ارشد عمران هستم.
- (۳۱) سردم نیست لباس گرم تنمه.
- (۳۲) فشارم هیچده.
- (۳۳) ساعتی طلا تو دستش بود.
- (۳۴) کی توی این لیوان آب خورده؟
- (۳۵) دستاتو بذار رو سرت و اسلحتو بنداز زمین.
- (۳۶) متاسفانه دکتر شهریاری سحرگاه روز سه‌شنبه به دیار باقی شتافت.
- (۳۷) سرت بنداز پایین.
- (۳۸) بعد چهارراه ولیعصر، بیچ راست.
- (۳۹) بهشت زیر پای مادران است.
- (۴۰) مردم آفریقا زیر خط فقر زندگی می‌کنن.
- (۴۱) دستاتو بیار پایین.
- (۴۲) حقشو گذاشتم کف دستش.
- (۴۳) دستاشو حنا گذاشته.
- (۴۴) پاشو گچ گرفته.
- (۴۵) ما که محتاج پول شما نیستیم.
- (۴۶) سردر دانشگاه اصفهان نوشته تاسیس ۱۳۳۰.

به نظر می‌رسد در موارد فوق برای تبیین حذف حروف اضافه مختلف، رویکرد کمینگی به تنهایی قادر نیست تمامی موارد حذف حروف اضافه را توجیه و تبیین کند و برای حذف حروف اضافه به عنوان هسته گروه حرف اضافه‌ای در کنار رویکرد کمینه‌گرایی باید متوسل به مشخصه‌های معنایی از جمله نظریه معنایی جکنداف و یا رویکردهای معناشناسی شناختی نیز شد، از جمله دستور شناختی لنگاکر و آرای تیلر و ایوانس که بر مبنای طبقه‌بندی معنایی چندگانه عناصر فضایی و مکانی به ویژه حروف اضافه استوار است و جایگاه‌های حذف و علت حذف را در این گونه جملات به خوبی توجیه و تبیین می‌کنند.

۶- نتیجه‌گیری

پس از بررسی و تحلیل جملات و نمونه‌های مورد بررسی در این پژوهش نتایج زیر حاصل شد:

۱- تمامی حروف اضافه در گروه‌های حرف اضافه‌ای بسته به نوع فعل در جمله و جایگاه وقوع حرف اضافه، امکان حذف دارند اما میزان وقوع حذف در حروف اضافه متفاوت است. برخی از حروف اضافه مثل «به»، «بر»، «در»، و «از» به ترتیب بسامد وقوع، تمایل بیشتری به حذف شدن دارند و حذف آنها در جایگاه‌های مختلف، بیشتر و آسان‌تر صورت می‌پذیرد و منجر به ابهام و یا نادستوری شدن جمله نمی‌شود.

۲- برخی از گروه‌های حرف اضافه‌ای به هسته خود که یک حرف اضافه است این امکان را می‌دهند که به صورت یک عنصر تهی آشکار شود، بدون اینکه خدشه‌ای در ساختار یا معنای کل جمله وارد کند و یا به خوش‌ساختی جمله آسیبی وارد کند.

۳- بررسی جایگاه‌های مختلف حذف حروف اضافه در جملات روزمره فارسی نشان می‌دهد که نتایج این پژوهش تا حدودی همسو با نتایج رضایی (۱۳۸۵) است و حروف اضافه به عنوان هسته این گروه معمولاً در جایگاه‌های زیر می‌توانند حذف شوند:

الف) عملکرد فرآیند انضمام

ب) تشکیل مفعول نشانه اضافه‌ای

ج) حذف به قرینه لفظی

د) ساخت افعال گروهی

ه) ساخت حروف اضافه مرکب

ی) برخی گروه‌های حرف اضافه‌ای

۴- حروف اضافه مرکب تنها در فارسی گفتاری معیار و نه در فارسی نوشتاری معیار حذف می‌شوند. حتی در فارسی گفتاری معیار نیز موارد حذف حروف اضافه مرکب بسیار کمتر از حروف اضافه ساده است و در مواردی که در پیکره مورد بررسی در این پژوهش حروف اضافه مرکب حذف شده بودند دو حرف اضافه «روی» و «برای» در فرآیند انضمام، در گروه‌های حرف اضافه‌ای که متمم فعل است و در گروه‌های حرف اضافه‌ای که افزوده فعل است، حذف شده بودند. ولی حذف حرف اضافه، اعم از ساده و مرکب هیچ تاثیری در نقش ارتباطی و معنای جملات بر جای نمی‌گذارد. به طوری که با وجود حذف حرف اضافه، باز ارتباط برقرار است و خدشه‌ای به نحو و مفهوم جمله وارد نخواهد آمد. به عنوان مثال: بر+ روی، به + سمت، به + طرف، در + کنار، در + میان و ...

۵- حرف اضافه همچنین از ابتدای متمم‌های قیدی، اصطلاحات پربسامد و جافتاده و همپایگی متمم‌ها قابل حذف است.

۶- به طور کلی در آن دسته از گروه‌های حرف اضافه‌ای که پس از حرف اضافه آنها اسم مکان یا حرف اشاره‌های مکان (خونه، کلاس، خوابگاه، مدرسه و...)، اسم ابزار (چاقو)، برخی اسامی انتزاعی (ترفند)، برخی اسامی زمان، اسامی اشخاص (ضمایر یا اسامی خاص)، وسایل نقلیه (اتوبوس، قایق، اسب و...)، و یا نام مراسم، اعیاد و مجامع مختلف علمی بیاید، معمولاً می‌توان حروف اضافه را حذف کرد.

۷- حذف حروف اضافه در گروه‌های حرف اضافه‌ای و همچنین در گروه‌های اسمی با نوع فعل (ظرفیت فعل، متعدی یا لازم بودن و حرکتی بودن، ایستا بودن و ...) و مشخصه‌های معنایی موضوع‌هایی که با آن همنشین می‌شوند، ارتباط تنگاتنگی دارد.

۸- جملاتی یافت می‌شود که در آنها حروف اضافه حذف می‌شوند اما جایگاه حذف و یا علل حذف در آنها صرفاً با تکیه بر رویکرد کمینه‌گرایی نمی‌تواند به خوبی توجیه و تبیین شود و در این موارد برای تبیین حذف حروف اضافه، با استفاده از رویکرد کمینه‌گرایی به تنهایی تمامی موارد حذف حروف اضافه

قابل توجه و تبیین نیست و برای حذف حروف اضافه به عنوان هسته گروه حرف اضافه‌ای در این موارد، در کنار رویکرد کمیته‌گرایی باید متوسل به مشخصه‌های معنایی از جمله نظریه معنایی جکنداف و رویکردهای معناشناسی شناختی شد، از جمله دستور شناختی لنگاکر و آرای تیلر و ایوانس که بر مبنای طبقه‌بندی معنایی چندگانه عناصر فضایی و مکانی استوار هستند و جایگاه‌های حذف و علت حذف حروف اضافه را در این گونه جملات به خوبی توجه و تبیین می‌کنند.

منابع

- آزمون، سیمین (۱۳۹۱). « نحوه آموزش حروف اضافه فارسی به فرانسوی‌زبانان با تکیه بر بررسی مقابله‌ای ». اولین همایش میان‌رشته‌ای آموزش و یادگیری زبان، صص ۳۰۱-۳۲۴.
- البرزی ورکی، پرویز (۱۳۷۷). « نقدی بر مقاله فعل مرکب در زبان فارسی » از دکتر محمد دبیرمقدم. زبان و ادب، شماره ۵، صص ۶۹-۸۹.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۴). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خزائی، حسین (۱۳۸۳). *بررسی حروف اضافه ساده و گروه حرف اضافه‌ای در فارسی معاصر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- خطیب رهبر، خلیل (۱۳۶۷). *دستور زبان فارسی، کتاب حرف اضافه و ربط مشتمل بر تعریف و تقسیم و شرح و اصلاحات معانی و کاربرد حروف*. تهران: سعدی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی، ویراست دوم*. تهران: سمت.
- ذوالنور، رحیم (۱۳۴۳). *دستور زبان فارسی در حرف و نحو و املائی فارسی*. تهران: انتشارات درخشان.
- رضایی، طاهره (۱۳۸۵). *بررسی ساختار گروه حرف اضافه‌ای در زبان فارسی گفتاری معیار در مقایسه با فارسی نوشتاری معیار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- زارع، آمنه و نعمت‌زاده، شهین (۱۳۹۱). « زبان و اوتیسم: کاربرد حروف اضافه زبان فارسی ». *فصلنامه پژوهشی نامه ادبیات و زبان‌شناسی*. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزآباد، سال اول، شماره اول، صص ۸۱-۱۰۴.
- سجودی، رضا (۱۳۷۷). *حرف اضافه و گروه حرف اضافه‌ای در زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۶۴). *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات اساطیر.
- صادقی، علی‌اشرف و غلامرضا ارژنگ (۱۳۵۸). *دستور سال سوم آموزش متوسطه عمومی*. تهران: انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی پنج استاد*. چاپ نهم. تهران: انتشارات اشرفی، انتشارات واژه.

مهدی‌بیرقدار، راضیه و علی‌درزی (۱۳۹۰). «حذف حروف اضافه قبل از عناصر مکان‌نما». *مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز*، سال سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۰)، صص ۱۳۹-۱۶۶.

ناتل‌خانلری، پرویز (۱۳۶۶). *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات توس.

یوسفی، کاظم (۱۳۷۴). *بررسی تحلیل خطاها در کاربرد حروف اضافه زبان انگلیسی در زبان‌آموزان فارسی‌زبان (در مقطع کارشناسی)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مشهد.

Baltin, M. and C. Collins (Eds.) (2001). *The Handbook of Contemporary Syntactic Theory*, Blackwell Publishers.

Chomsky, N. (1995). *The Minimalist Program*, Cambridge, Mass.: MIT Press.

Chomsky, N. (2000 a). *New Horizons in the Study of Language and Mind*, Cambridge University Press.

Chomsky, N. (2000 b). *The Architecture of a Language*, Oxford University Press.

Chomsky, N. (2002). *On Nature and Language*, Cambridge University Press, Cambridge.

Dryer, Matthew S. (1991). "SVO Languages and the OV: VO Typology", *Linguistics*, (27), Pp.443-482.

Epstein, S. and T. Seely (Eds.) (2002). *Derivation and Explanation in the Minimalist Program*, Blackwell Publishers.

Halliday, M. (1994). *An Introduction to Functional Grammar* (2nd edition), London: Arnold.

Hornstein, N. (1995). *Logical Form: From GB to Minimalism*, Blackwell.

Hornstein, N.; Nunes, J. and K. Grohmann (2005), *Understanding Minimalism*, Cambridge: Cambridge University Press.

Suh, Eugenia (2005). "The Nominal Phrase in Korean: the Role of D in a "Determiner-less" Language". *Toronto Working Papers in Linguistics*, (25), Pp: 10-19.

Jackendoff, R. (1983). *Semantics and Cognition*. Cambridge: MA, MIT Press.

Jackendoff, R. (1987). "The Status of Thematic Relations in Linguistic Theory". *Linguistic Inquiry*, 18, Pp: 369-411.

Jackendoff, R. (1990). *Semantic Structure*. Cambridge: Mass, MIT Press.

Jeong, I.S. (2011). "Omissibility of a Preposition in the Omission of a Prepositional Object in English Prepositional Phrases", *Linguistic Research*, 28 (1), Pp: 53-73.

- Kim, J.M. and G.S. Ahn(2003). "Acquisition of Preposition Deletion by Non-native Speakers of English", *The Linguistic Association of Korea Journal*, 11 (4), Pp: 79-100.
- Lasnik, H. (1995). *Minimalist Analysis*, Blackwell Publishers.
- Lasnik, H. (2003). *Minimalist Investigations in Linguistic Theory*, Routledge.
- Levin, B. and M. Rappoport Hovav. (1992). "The lexical Semantics of Verbs of Motion: the Perspective from Unaccusativity", in: *I.M. Roca (eds.): Thematic Structure: Its Role in Grammar*, Berlin: Foris, Pp: 247- 269.
- Levin, B. and M. Rappoport Hovav. (1995). *Unaccusativity: At the Syntax-Lexical Semantics Interface*. Cambridge: Ma: MIT Press.
- Levin, B. and M. Rappoport Hovav. (2005). *Argument Realization*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Martin, R., D. Michaels, and J. Uriagereka (Eds.) (2000). *Step by Step: Essays on Minimalist Syntax in Honor of Howard Lasnik*, Cambridge: MIT Press.
- Ogawa, Y. (2001). *A Unified Theory of Verbal and Nominal Projections*, Oxford University Press.
- Radford, A. (1997 a). *Syntactic Theory and the Structure of English: A Minimalist Approach*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Radford, A. (1997 b). *Syntax: A Minimalist Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Rauh, G. (ed.) (1991). *Approaches to Prepositions*, Tübingen: Narr.
- Samiian, V. (1983). *Origins of Phrasal Categories in Persian, an X-bar Analysis*, PhD: UCLA.
- Svenonius, P. (2006). "The Emergence of Axial Parts", *Working Papers in Language and Linguistics*, Tromsø: University of Tromsø.
- Tyler, A. & V. Ivans. (2007). *The Semantics of English Prepositions*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ura, H. (2000). *Checking Theory and Grammatical Functions in Universal Grammar*, Oxford: Oxford University Press.
- Webelhuth, G. (1995). *Government and Binding Theory and Minimalist Program*, Blackwell.